

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال شانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۴۱، صص ۱۹-۴۹

واکاوی شیوه‌های عملکرد آصف محسنی در تعامل با تعارضات نجاشی و طوسی

مجید زیدی جودی^۱

علی حسن بگی^۲

علیرضا طبیبی^۳

ابراهیم ابراهیمی^۴

DOI: 10.22051/tqh.2019.23056.2229

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

چکیده

بعد از تأسیس مدرسه حلّه و اعتبارسنجی حدیث بر پایه سند، آراء رجالی نجاشی و شیخ طوسی - از رجالیان مشهور شیعه - از اهمیت فراوانی برخوردار گردید. نجاشی و شیخ طوسی بنا بر وظیفه علم رجال، که تعیین وثاقت و ضعف راویان است؛ در کتب خود به برخی جرح و تعدیل‌ها اشاره کرده‌اند، ولی گاهی اوقات آرائشان در مورد وثاقت و ضعف یک راوی متعارض شده است. در همین راستا این نوشتار با روش تحلیلی-توصیفی درصدد بررسی چگونگی مواجهه و تعامل آصف محسنی از رجال پژوهان معاصر با این

majidjody@gmail.com

a-hasanbagi@araku.ac.ir

a-tabibi@araku.ac.ir

dr.e.e978@gmail.com

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران.

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران.

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران.

تعارض‌ها برآمده است. در نهایت این نتیجه حاصل شد که نحوه مواجهه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی، قاعده و قانون خاصی ندارد بلکه بستگی به استنباط و اطمینانی دارد که برای شخص مجتهد و رجال پژوه به وجود می‌آید. در ضمن هیچ دلیلی محکمی برای ترجیح آراء نجاشی بر شیخ طوسی در دست نیست و نحوه تعامل نسبت به روایان بر حسب اطمینانی که برای پژوهشگر حاصل می‌شود متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: علم رجال، تعارضات، نجاشی، طوسی، آصف‌محسنی.

طرح مسئله

از گذشته تاکنون آراء و نظرات دو رجالی معروف، نجاشی و شیخ طوسی مورد توجه اندیشه‌وران در ارزیابی اسناد بوده است. به خصوص با شکل‌گیری مدرسه حله و مبنا قرار گرفتن تقسیم‌بندی چهارگانه حدیثی (صحیح، موثق، حسن و ضعیف) نقش اقوال آن دو در تعیین حجیت احادیث، افزایش یافته است. شیخ طوسی و نجاشی بنا بر وظیفه علم رجال که تعیین وثاقت و ضعف روایان است در کتب خود به برخی جرح و تعدیل‌ها اشاره کرده‌اند. نجاشی و طوسی هر چند به طور گسترده به اعتبار و احوال روایان اشاره نکرده‌اند اما همین موارد محدود نیز توانسته یاریگر محققان در اعتبارسنجی اسناد احادیث باشد. لیکن در برخی موارد آراء این دو رجالی درباره یک روای متعارض شده است.

در همین راستا این نوشتار درصدد بررسی نحوه تعامل و مواجهه آصف‌محسنی با این موارد اختلاف و تعارض است. تا مشخص شود آیا آصف‌محسنی در موارد متعارض به شیوه یکسان و واحدی عمل کرده یا خیر؟ دیگر آن که آیا این قول معروف که در مقام تعارض، نجاشی به خاطر ضابط بودن مقدم بر شیخ طوسی هست مورد تأیید آصف‌محسنی می‌باشد یا نه؟

برای تحقق این مطلب ابتداء شیوه تعامل اندیشه‌وران شیعه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی را بررسی سپس به طور خاص چگونگی مواجهه آصف محسنی را بررسی خواهیم کرد. برای اینکه نوشتار نظم دقیقی بگیرد روایانی که آراء نجاشی و طوسی در مورد آنها متعارض بود را از کتب این دو استخراج و سپس چگونگی مواجهه با آنها بررسی خواهد شد. همچنین دلائلی که از نظر آصف محسنی موجب بروز تعارض در آراء نجاشی و شیخ طوسی شده را ذکر کرده و موضع گیری وی درباره نظریه مشهور (تقدم نجاشی بر طوسی) مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

در کتب رجال و اصولی در هنگام طرح مبحث تعارض و ترجیح، اشاراتی به تعارض اقوال رجالیان و چگونگی مواجهه با آن شده است. اما راجع به تعارض آراء نجاشی و طوسی به طور خاص مبحثی مطرح نشده، تنها هنگام بررسی روایانی که اقوال این دو درباره آنان متعارض شده بحث‌های پراکنده‌ی مطرح شده است. همچنین مقاله‌ی با عنوان «مبنای ملاک‌های ترجیح اقوال رجالیون در تعارض جرح و تعدیل» از میثم مطیعی نوشته شده است که در آن تعارض اقوال رجالیان به طور عام بررسی شده است. اما در این نوشتار به طور خاص تنها تعارض نجاشی و شیخ طوسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. رویکرد اندیشه‌وران در تعارض نجاشی و شیخ طوسی

اندیشه‌وران به شیوه‌های گوناگونی درصدد حل تعارضات نجاشی و شیخ طوسی برآمده‌اند. برخی که اکثریت را نیز تشکیل می‌دهند به شخصیت رجالی توجه داشته برخی نیز به گفته این دو رجالی نظر داشته‌اند. این شیوه‌های متعدد را با پیگیری افرادی که قول نجاشی و طوسی درباره آنان متعارض شده بود، استخراج و به صورت دسته‌بندی ارائه خواهد شد.

۱-۱. قرائن تقویت‌کننده

برخی رجالیان گفته‌اند در حالت اجتماع جرح و تعدیل بین قول جارح و معدل تعارض واقع می‌گردد، بنابراین، تقدّم و ترجیح هر یک از جرح و تعدیل بر دیگری، منوط به وجود مرجح است.

این افراد برای ترجیح یکی از دو نظر شیخ طوسی یا نجاشی از قرائن بهره گرفته‌اند که به آنان در تقویت دیدگاه یکی از دو رجالی و تضعیف نظر دیگری یاری رساند. از جمله این قرائن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: وجود روایت در مدح یا قدح راوی، تتبع و استقراء روایات راوی، وجود نشانه حاکی از امامی بودن در روایات وی، نقل و اعتماد بزرگان از اصحاب بر وی، جزء راویان «نوادرالْحکمه» یا «تفسیر قمی» بودن و قرائن دیگر. در زیر به برخی راویان که دیدگاه نجاشی و شیخ طوسی در مورد آنها متعارض بوده ولی اندیشه‌وران با کمک قرائن نظر یکی را ترجیح داده‌اند، اشاره می‌شود:

۱-۱-۱. غیاث‌بن ابراهیم

"غیاث‌بن ابراهیم" را نجاشی ثقه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۵) ولی شیخ طوسی او را بتری^۱ مذهب (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۴۲) دانسته است. ظاهراً عبارات نجاشی و طوسی در مورد راوی متعارض به نظر می‌رسد. شبیری زنجانی رجالی معاصر برای حل این مسئله از قرائن مدد گرفته است، بدین صورت که با کاوش در رجال اهل سنت به این نتیجه رسیده که "غیاث‌بن ابراهیم" مشترک بین دو راوی است؛ یکی "غیاث‌بن ابراهیم نخعی" که عامی مذهب است و دیگری "غیاث‌بن ابراهیم تمیمی" که شیعی است، بنابراین منشأ فضاوت طوسی درباره مذهب راوی را خلط و توهمی می‌داند که برای شیخ طوسی رخ داده و "غیاث‌بن ابراهیم نخعی" را با تمیمی خلط کرده است.

سپس با استفاده از یکسری قرائن وثاقت و امامی بودن راوی را ثابت و تعارض را برطرف می‌نماید. از جمله اینکه:

(الف) با تأمل در روایاتش امامی بودن وی قابل استفاده است.

(ب) در روایات منقول از او به جای علی (ع) لفظ امیرالمؤمنین به کار رفته است.

(ج) از مشایخ ابن‌ابی عمیر است.

(د) کتابش را جماعتی از امامیه روایت می‌کنند.

۱. از زیر شاخه‌های فرقه زیدیه هستند که امام علی (ع) را افضل صحابه می‌دانند و معتقدند که خلافت حق ایشان بود، ولی قابل انتقال به دیگری بوده است و حضرت بر اساس مصالحی حق خود را به أبو بکر تفویض کرده و لذا خلافت او قانونی و شرعی بوده است. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۲)

ه) کلینی به او اعتماد کرده است.

و) بزرگانی چون صدوق و مفید و شیخ طوسی با اینکه قریب العهد به او بوده در هیچ جا روایت او را رد نکرده‌اند. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۹)

۱-۱-۲. سهل بن زیاد

"سهل بن زیاد" شیخ طوسی در کتاب رجالی اش وی را توثیق کرده (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۸۷) ولی نجاشی او را ضعیف در حدیث و بی اعتماد دانسته و گفته احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را غالی و دروغگو دانسته و از قم اخراج کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۸۵) ظاهراً بین نظر نجاشی و شیخ طوسی در اعتبار روایی وی تعارض وجود دارد. اندیشمندی برای حل تعارض موجود از قرائن استفاده کرده و نظر شیخ طوسی را قوی تر دانسته است. از جمله اینکه روایات زیادی نزدیک به ۲۳۰۰ روایت از وی در منابع حدیثی وجود دارد دیگر آنکه کلینی بر او اعتماد کرده و نیز اینکه اندک روایتی از روایات وی شاذ و نادر هست. (قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۰۲)

۱-۲. ترجیح نجاشی بر طوسی

یکی دیگر از راه‌هایی که رجالیان برای حل تعارض اقوال رجالی ذکر کرده‌اند رجوع به صفات و ویژگی‌های جارح و معدل است. بدین معنا که هر کدام از دو طرف، صفات و ویژگی‌های برجسته تری داشت نظرش بر دیگری ترجیح دارد. (خاقانی، ۱۳۶۲ش، ص ۵۶؛ میرداماد، ۱۳۱۱ق، ص ۱۰۴) طرفداران این نظر غالباً کسانی هستند که قول رجالی را از باب خبرویت و کارشناسی می‌دانند.

راجع به تعارض نجاشی و طوسی نیز اعتقاد بر این است که نجاشی از شماری برجستگی‌ها برخوردار است بنابراین دیدگاه وی را بر شیخ طوسی ترجیح داده‌اند. در کتاب‌های حدیثی و رجالی تعدادی اسباب و دلایل برتری برای نجاشی ذکر شده که به نظر می‌رسد ابتداء بحر العلوم در کتاب رجالی اش این دلایل را ذکر و دیگران از وی اخذ کرده باشند.

از جمله دلایل می‌توان به این موارد اشاره کرد:

(الف) نگارش زودتر کتاب رجال و فهرست شیخ طوسی نسبت به رجال نجاشی، که این فرصت را برای نجاشی فراهم کرد تا بتواند کاستی‌ها و نقائص کتابش را به حداقل برساند.

(ب) کثرت مشاغل و تنوع علوم شیخ به وی اجازه دقت و فراغت بال بیشتر در رجال را نمی‌داد برخلاف نجاشی که تنها در رجال تخصص داشت.

(ج) نجاشی نسب‌شناسی توانا بوده و نسبت به خاندان و قبایل عرب آشنایی و در این زمینه صاحب تألیف است در حالی که طوسی در نسب راویان دچار توهم و اشتباه شده است.

(د) در کتاب رجال شیخ تکرار و اغلاط و حتی آراء متعارض زیاد هست.

(هـ) نجاشی اهل کوفه بوده و اکثر راویان نیز کوفی بوده‌اند بنابراین شناخت آنان و ملاقات با آنان برای وی راحت‌تر بوده است.

(و) نجاشی به خاطر تقدّم زمانی توانسته محضر اساتید فن رجال مانند ابن‌غضائری، ابن‌نوح سیرافی و ابوالفرج محمدبن‌علی الکاتب و دیگران را درک کند.

(ز) رجال نجاشی تفصیل بیشتری دارد و به کینه، القاب و موارد دیگر اشاره کرده است. (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۴۹؛ سند، ۱۴۲۹ق، ص ۳۱۸؛ بحر العلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۶)

این دلایل و دلایل دیگر باعث شده برخی نجاشی را بر شیخ طوسی مقدم بدانند. در زیر برخی راویان که آراء نجاشی و طوسی درباره آنان متعارض ولی محققان نظر نجاشی را مقدم داشته‌اند، اشاره می‌شود:

۱-۲-۱. فضل بن یونس

"فضل بن یونس" را نجاشی ثقه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۹) ولی شیخ طوسی او را واقفی دانسته است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۴۲) محقق سبزواری، عاملی و اشتهاوردی به هنگام مواجهه با این اختلاف، نظر نجاشی را ترجیح داده‌اند؛ با این استدلال که نجاشی

ضبط و دقت نظر قوی تری نسبت به شیخ طوسی داشته و در نتیجه "فضل بن یونس" را ثقه و امامی می دانند. (سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۷؛ اشتهااردی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۳۰)

۱-۲-۲. اباصلت هروی

نجاشی "اباصلت هروی" را ثقه و صحیح الحدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۴۵) ولی شیخ طوسی او را عامی مذهب می داند. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۰) نراقی رأی و نظر نجاشی را بر شیخ طوسی ارجح می داند و عامی بودن را از اباصلت دور می داند. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۵۲۴)

۱-۳. جمع بین دو دیدگاه

در برخی موارد تعدادی از عالمان رجالی به وثاقت یک راوی حکم کرده اند در مقابل، عدّه دیگر انحراف عقیدتی راوی را ذکر کرده اند. در احوال و اعتبار چنین راویانی، گروهی بر این هستند که بایستی بین دو نظر جمع صورت بگیرد یعنی بین وثاقت و واقفی جمع صورت بگیرد و راوی موثق به شمار آید. با این استدلال که رجالیان وقتی اشاره به انحراف نکرده اند بدان جهت بوده که از انحراف عقیدتی راوی مطلع نشده اند حال در مقایسه با دیگرانی که انحراف را در حق راوی ثابت دانسته اند بهتر است امر اثباتی را اتخاذ کنیم و راوی را موثق بدانیم به عبارت دیگر وقتی امر دائر شد بین نظر کسانی که به انحراف عقیدتی راوی آگاه نشده و افراد که راوی را منحرف دانسته اند امر اثباتی اتخاذ می شود. حال که عقیده راوی مشخص شد با وثاقت جمع و راوی موثق به شمار می آید. (نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۲۰؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۵۰۸)

گروه دیگر بر این نظر اشکال کرده اند که وقتی رجالی تنها وثاقت را ذکر و اشاره به انحراف نکرده حاکی از آن است که راوی نزد وی در استقامت به سر می برده است حال که قضیه دائر بین دو امر اثباتی شد (یکی راوی را منحرف دیگری مستقیم) بایستی یا به قرائن رجوع شود که کدام نظر برتری دارد یا نظری اتخاذ شود که اکثریت به آن قائلند یا

نظر رجالی ضابطتر اخذ شود. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۹۳؛ سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مامقانی، بی تا، ج ۲، ص ۶۷) نجاشی و شیخ طوسی نیز در مورد برخی راویان چنین اختلافی دارند که به برخی اشاره می‌شود:

۱-۳-۱. داود بن حصین

"داود بن حصین" را شیخ طوسی واقفی دانسته (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۶) ولی نجاشی او را ثقة به حساب آورده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۵۹) برخی از اندیشه‌وران بین دو دیدگاه جمع کرده و راوی را ثقة واقفی می‌دانند و بدین ترتیب احادیثی که "داود بن حصین" در سلسله سند آنها می‌باشد را موثق به حساب می‌آورند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۳۲۳؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۵۹۸) شایان ذکر اینکه، موثق شمردن روایت باعث می‌شود در صورت تعارض با روایت صحیح، یارای مقاومت نداشته و در نتیجه به روایت صحیح عمل شود.

۱-۳-۲. سماعه بن مهران

شیخ طوسی "سماعه بن مهران" را واقفی دانسته (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۳۷) ولی نجاشی او را توثیق کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۳) عبارات نجاشی و طوسی متعارض به نظر می‌رسد. یکی از نویسندگان بین نظر نجاشی و شیخ طوسی جمع کرده و راوی را ثقة واقفی و سند را موثق می‌داند. (قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۰۸)

۱-۴. توقف در اعتبار راوی

شماری از محققان چون نتوانسته‌اند بین دو نظر متعارض نجاشی و شیخ طوسی یکی را برگزینند در مورد راوی توقف کرده‌اند و روایاتی که چنین راوی در زنجیره سندی آن باشد را بی اعتبار به حساب آورده‌اند. به عنوان مثال "سعد بن طریف" را شیخ طوسی دارای احادیث صحیح (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۱۵) ولی نجاشی او را دارای احادیث صحیح و منکر می‌داند. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۷۸) خوئی عبارات نجاشی و طوسی را متعارض

دانسته و راوی و روایاتی که وی در سند آنها باشد را نامعتبر بر شمرده است. (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۱۴۵)

"حسن بن حسین لؤلؤی" نجاشی او را توثیق کرده (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۰) ولی شیخ طوسی او را تضعیف کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۲۴) عاملی چون نتوانسته هیچ یک از دو دیدگاه را ترجیح بدهد در مورد راوی توقف کرده است. (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۴۶) نراقی نیز گفته: چون اقوال نجاشی و شیخ طوسی در مورد "حسن بن حسین - لؤلؤی" تعارض داشته و به شاهی برای ترجیح یکی از دو طرف دست نیافتم در مورد راوی توقف می‌کنم. (نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۷۳)

۱-۵. پذیرش رأی اکثریت رجالی‌ها

صورت دیگری از حل تعارض جرح و تعدیل، ترجیح قولی است که تعداد بیشتری از رجالیان به آن تمایل داشته‌اند با این استدلال که هر چه قدر تعداد بیشتری از رجالیان بر یک نظر باشند ظن قوی‌تری ایجاد می‌کند و گمان به حُسن حال آنان و صحت خبر آنان را افزایش می‌دهد، و بر عکس، تعداد کم طرفداران نظر دیگر، گمان به حُسن حال آنان را کاهش می‌دهد و بالطبع، سبب کاهش اعتماد به خبر آنان می‌شود، و واضح است که در حالت تعارض، عمل به ظن و گمان قوی‌تر، ارجح و واجب است، چنان که در تعارض دو حدیث، این گونه است. این گروه قول رجالی را از باب شهادت می‌دانند شیخ بهائی و نقوی هندی از طرفداران این نظر هستند (شیخ بهائی، ۱۳۹۰ق، ص ۵؛ حافظیان، ۱۳۸۲ش، ص ۴۳۸؛ عاملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۵۰).

اشکالی که بر این قول وارد است اینکه قول اکثریت اگرچه احتمال صدق را افزایش می‌دهد لکن دلیل حجیت قول دیگر را نفی نمی‌کند بلکه قول دیگر همچنان به حجیت خودش باقی می‌ماند مگر این که قول رجالیان را از باب ظن اجتهادی بدانیم یا این که اکثریت در حدی زیاد باشند که از اکثریت آنان اطمینان حاصل شود. این گروه در موقع تعارض قول نجاشی و طوسی نیز گرایش به قول و نظری دارند که تعداد بیشتری از رجالیان بر آن شهادت داده باشند حال یا از رجالیان پیش از نجاشی و طوسی مانند کشی،

فضل‌بن‌شاذان، ابن‌نوح، ابن‌غضائری و ابن‌عقده یا رجالیان متأخر مانند علامه حلی، صدوق و سیدبن‌طاووس، هر جانبی را که تعداد بیشتر باشد را مبنای عمل قرار می‌دهند.

۱-۵-۱. یقطینی

"محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید یقطینی" نجاشی او را ثقه، بیش روایت و از بزرگان اصحاب می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۳) ولی شیخ طوسی او را ضعیف دانسته است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۹۱) گیلانی و شوشتری معتقدند هر چند سخن نجاشی و شیخ طوسی در مورد راوی متعارض است اما چون اکثر رجالیان مانند فضل‌بن‌شاذان، ابن‌نوح، میرداماد، مجلسی و علامه حلی به توثیق او حکم کرده‌اند پس تضعیف شیخ طوسی کمرنگ و "محمدبن‌عیسی‌بن‌عبید یقطینی" توثیق می‌شود. (گیلانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۵۶؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۵۰۳) نراقی نیز گفته چهار نفر از رجالیون (فضل‌بن‌شاذان، کشی، قتیبی، نجاشی) او را توثیق و تنها دو نفر (طوسی و صدوق) او را تضعیف کرده‌اند بنابراین دو تا تضعیف دو تا از توثیقات را از بین می‌برند و در نتیجه دو تا توثیق بدون معارض می‌مانند و راوی توثیق می‌شود. (نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۱۷)

۲-۵-۱. سماعه‌بن‌مهران

شیخ طوسی "سماعه‌بن‌مهران" را واقفی دانسته (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۳۷) ولی نجاشی او را توثیق کرده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۹۳) عاملی گفته چون علاوه بر طوسی، صدوق نیز شهادت به واقفی بودن سماعه کرده پس نظر طوسی تقویت و در نتیجه حکم به واقفی بودن راوی می‌شود. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۴۴)

۱-۶. ترجیح جرح بر تعدیل

راهکار دیگر عالمان رجال برای حلّ تعارض جرح و تعدیل، ترجیح جرح بر تعدیل است. صاحبان این نظر دلالتی برای این گفته بیان کرده‌اند از جمله این که جرح حکایت از امری پوشیده از حال راوی می‌کند ولی تعدیل تنها ظاهر حال راوی را حکایتگر است.

به عبارت دیگر معتقدند همراه جراح فزونی علم و آگاهی است که معدل بر آن واقف نبوده است چرا که معدل می گوید «من چیزی که او را تضعیف و جرح کند، ندیدم» ولی جراح می گوید «معصیت از او دیدم» و واضح است که امر وجودی بر عدمی برتری دارد. (مازندرانی، بی تا، ص ۱۱۳؛ حسینی صدر، ۱۴۳۰ق، ص ۳۵۲)

دلیل دیگر این است که با ترجیح جرح در واقع بین دو قول جمع صورت می گیرد. صاحب معالم در این باره می گوید: هرگاه جرح و تعدیل تعارض پیدا کنند اکثر مردم جرح را مقدم می دارند زیرا با این نحوه در واقع بین دو قول جمع می شود چون نهایت چیزی که معدل می گوید این است که «اطلاع نیافتیم» ولی جراح می گوید «آنچه را که تو از عدالت و ظاهر حال راوی خبر داده‌ای، من نیز می دانم؛ لیکن من در مورد وی چیزی را می دانم که بر تو مخفی مانده است» پس هرگاه به عدالت راوی حکم کنیم جراح دروغگو می شود ولی هرگاه حکم به فسق راوی دهیم هر دو (جراح و معدل) راستگو شده‌اند و جمع بین دو قول بهتر از اتخاذ یکی از اقوال است. (صاحب معالم، بی تا، ص ۲۰۷)

دلیل سوم غلبه فسق در مردم است که باعث می شود جرح در دل انسان قابل قبول تر باشد و بر ظن انسان غلبه یابد، چرا که فرد را باید به اعمّ اغلب ملحق کرد. (خاقانی، ۱۳۶۲ش، ص ۵۷) این دیدگاه، نظر غالب رجالیان شیعه و سنی هست اما برخی بر آن اشکال کرده‌اند که این نظر، در صورتی درست است که تعدیل به معنای ظاهر اسلام باشد اما اگر به معنای ملکه باشد تعدیل نیز حکایت از امر پوشیده می کند و دیگر ترجیح جرح محل اشکال می باشد. (خاقانی، ۱۳۶۲ش، ص ۵۸؛ مامقانی، بی تا، ج ۳، ص ۶۴)

اشکال دیگر این است که اگر در همه جا و بدون رعایت هیچ ضابطه دیگری بخواهیم همواره جرح را بر تعدیل اولویت دهیم، آنگاه عملاً کسی از جرح سالم نمی ماند و اصولاً مسئله حجیت احادیث با مشکل مواجه می شود. (عزیزی، ۱۳۹۳ش، ص ۶۳) برخی برای اینکه این نظر را متعادل تر کنند گفته‌اند جرح تنها در صورتی که مفسر باشد بر تعدیل برتری دارد. اردبیلی نیز گفته قول جراح در صورتی مقدم می شود که تصدیق قول وی تکذیب قول معدل نباشد. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۶۷)

محققان دیگری می‌گویند: جرح فقط هنگامی بر تعدیل مقدم است که جارح و معدّل مساوی باشند، نه در همه موارد و ظاهراً منظور ایشان از عدم تساوی از حیث کثرت جارحان و معدّلان است. (کلباسی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵؛ بحر العلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۲۵۹)

ضابطه دیگر این است که: جرح تنها در صورتی بر تعدیل مقدم می‌شود که مستند به سببی که فسادش معلوم بوده نباشد. (راضی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸) این افراد در تعارض اقوال نجاشی و شیخ طوسی، نیز به همین منوال عمل کرده و جرح را خواه سخن نجاشی باشد یا طوسی مقدم داشته‌اند. در زیر به برخی موارد که علماء جرح را بر تعدیل مقدم داشته‌اند، اشاره می‌شود:

۱-۶-۱. محمد بن خالد برقی

"محمد بن خالد برقی" را نجاشی شخصی ادیب، آشنا به اخبار و علوم عرب اما ضعیف در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۵) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۳) شهیدثانی را اعتقاد بر آن است در مواقع تعارض جرح و تعدیل، جرح مقدم می‌باشد، در مورد برقی هم گفته جرح نجاشی بر تعدیل طوسی مقدم می‌باشد بنابراین برقی از نظر روایی نامعتبر می‌باشد. (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۴۶۷) مازندرانی نیز می‌گوید در مواقع تعارض، جرح مقدم می‌باشد مخصوصاً اگر جارح شخصی مثل نجاشی باشد که ید طولایی و تبخّر خاصی در علم رجال دارد. (مازندرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۶۳)

۱-۶-۲. داود بن کثیر

"داود بن کثیر" را نجاشی تضعیف کرده (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۵۶) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۶) شیخ بهائی گفته در هنگامه تعارض جرح و تعدیل، جرح مطلقاً مقدم می‌باشد در مورد "داود بن کثیر" نیز جرح نجاشی را بر تعدیل طوسی مقدم داشته و راوی را تضعیف کرده است. (بهائی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲)

۱-۷. توجیه و تأویل

راهکار دیگری که گروهی از محققان برای سازش بین اقوال متعارض نجاشی و شیخ طوسی بکار گرفته‌اند توجیه و تفسیر یکی از اقوال برای سازش و مخالفت نداشتن با قول دیگری است. و معمولاً تضعیف و جرح را طوری تفسیر می‌کنند که با توثیق مخالفتی نداشته باشد. در زیر نمونه‌های از این گونه مواجهه گزارش می‌شود:

۱-۷-۱. جعفر بن محمد بن مالک

"جعفر بن محمد بن مالک" را نجاشی تضعیف (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۲۲) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۱۸) مامقانی برای حل تعارض بین تضعیف نجاشی و توثیق شیخ طوسی متوسل به توجیه و تأویل شده است بدین گونه که تضعیف نجاشی را حمل بر این کرده که چون "جعفر بن محمد بن مالک" روایاتی از معجزات ائمه (ع) نقل کرده و مطالبی گفته که متقدمان آنها را غالی گری می‌دانستند ولی در حال حاضر آن مسائل جزء ضروریات مذهب می‌باشند بنابراین تضعیف نجاشی به روایات منقول از وی یا به عقیده راوی برمی‌گردد و متوجه اخلاقیات (صداقت) وی نمی‌شود. بنابراین تعارضی بین قول نجاشی و شیخ طوسی نیست و راوی ثقة می‌باشد. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۱۶، ص ۴۴)

۱-۷-۲. محمد بن خالد برقی

"محمد بن خالد برقی" را نجاشی ضعیف در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۵) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۳) محقق سبزواری برای برطرف کردن تعارض، سخن نجاشی را به تأویل برده که منظور از "ضعیف الحدیث" ضعف و قبح خود برقی نیست که با توثیق طوسی از وی در تعارض باشد بلکه به معنای نقل کردن از ضعفاء و اعتماد بر مراسلات هست. سپس گفته آنچه که این مطلب را تأیید می‌کند سخن ابن غضائری می‌باشد که در شرح حال برقی گفته "یروی عن الضعفاء"

کثیرا و يعتمد المراسیل" بنابراین احتمالاً سخن نجاشی نیز ناظر به همین مطلب باشد. در نتیجه بین سخن نجاشی و طوسی تعارضی پیش نمی‌آید. (سبزواری، ۱۴۴۷ق، ج ۱، ص ۳۹)

۲. آصف محسنی و تعارضات نجاشی و طوسی

بعد از آن که شیوه مواجهه اندیشه‌وران با تعارضات نجاشی و طوسی بررسی شد، در این قسمت چگونگی تعامل آصف‌محسنی را بررسی خواهیم کرد به همین خاطر ابتداء دیدگاه وی درباره چرایی تعارض در آراء نجاشی و طوسی را بیان سپس شیوه مواجهه‌اش با تعارضات بررسی خواهد شد.

۲-۱. دلایل تعارض نجاشی و طوسی از نظر آصف‌محسنی

آصف‌محسنی چند دلیل برای بروز تعارض در توثیق و تضعیف‌های نجاشی و شیخ طوسی مطرح کرده است. از جمله:

الف) هر یک از شیخ طوسی و نجاشی در جرح و تعدیل مبانی خاص و منحصر به فرد خود را داشته‌اند و همین متفاوت بودن مبانی، باعث بروز تعارض میان دیدگاه‌های آنها شده است. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۵۶)

ب) همه‌ی توثیق و تضعیف‌ها با نقل متواتر به شیخ طوسی و نجاشی نرسیده‌اند و این امر دلیل دیگری برای متعارض شدن برخی نظرات رجالی این دو شده است چرا که اگر با نقل متواتر به آنها می‌رسید اختلاف واقع نمی‌شد. (همان، ص ۵۴)

ج) وثاقت و کذب از صفات پایدار و ثابت در روایان نبوده که دچار زوال و دگرگونی نشود بلکه چه بسا اخلاقیات یک راوی با گذشت زمان تغییر کند و در عقائد وی نیز دگرگونی رخ دهد همانطور که برخی روایان در یک برهه زمانی در استقامت عقیده به سر برده و سپس منحرف شده‌اند یا برعکس. بنابراین گزارش و خبری که به شیخ طوسی و نجاشی رسیده برخی مواقع متفاوت بوده، یکی مربوط به قبل انحراف بوده و دیگری زمان استقامت وی را بیان کرده است. (محسنی، ۱۳۹۴ش، ص ۹۸؛ همان، ۱۴۳۲ق، ص ۱۶۷)

۵) غالب توثیق و تضعیف‌های نجاشی و شیخ طوسی از روی حس و حکایت بوده ولی برخی آراء رجالی آنها نیز حدسی و ناشی از اجتهادشان بوده است بدین گونه که با توجه به کتب و روایات راوی در مورد وی نظر داده‌اند این مطلب در مورد شیخ طوسی نمود بیشتری دارد که اشتغال بیشتری به روایات داشته است. (محسنی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۴۳؛ محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۵۶؛ همان، ص ۵۸)

۲-۲. نحوه تعامل آصف محسنی با تعارضات نجاشی و طوسی

بعد از آشنایی با شیوه تعامل اندیشه‌وران شیعه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی، نحوه مواجهه آصف محسنی از رجال پژوهان معاصر با این تعارضات را بررسی خواهیم کرد. آصف محسنی از میان شیوه‌های بکار گرفته شده توسط رجالیان، از همگی استفاده کرده و تنها دو شیوه را به کار نگرفته است: یکی تقدیم جرح بر تعدیل و دیگری نظریه مشهور (ترجیح نجاشی بر طوسی).

آصف محسنی بر این باور است که هیچ کدام از شیوه‌های مذکور، قوت و برجستگی لازم را نداشته تا به هنگام تعارض تنها بدان شیوه عمل بشود، دیگر آن که نحوه مواجهه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی، قاعده و قانون خاصی ندارد بلکه بستگی به استنباط و اطمینانی دارد که برای شخص مجتهد و رجال پژوه به وجود می‌آید. (محسنی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳)

در مورد یک راوی ممکن است نظر شیخ طوسی را ترجیح بدهد در مورد راوی دیگری ممکن است با قرائن موجود یکی از دو نظر (نجاشی یا طوسی) را برگزیند در مورد راوی سومی امکان دارد به دلیل نبود قرینه و ناتوانی در ترجیح یکی از نظرات متعارض، توقف کند. به عبارت دیگر نحوه تعامل بر حسب روایان مختلف، متفاوت خواهد بود. اکنون به شیوه‌های مواجهه آصف محسنی با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی می‌پردازیم:

نجاشی «عباد بن صهیب» را ثقة دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۹۳) ولی طوسی او را عامی و بتری می‌داند (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۴۲) آصف محسنی بین دو نظر جمع کرده و او را موثق (ثقه عامی) می‌داند. (محسنی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۴)

«منصور بن یونس» را شیخ طوسی واقفی (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۴۳) ولی نجاشی او را ثقه به حساب آورده است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۹) آصف محسنی راوی مذکور را ضعیف می‌داند برای این ترجیح از قرائن بهره گرفته از جمله اینکه خشاب (رجالی قدماء) وی را جرح کرده همچنین در روایات آمده به اموال امام خیانت کرد و به خاطر اموال، امامت امام رضا (ع) را منکر شد. (محسنی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۰۲؛ همان، ۱۴۳۴ق، ج ۳، ص ۳۶۸)

«عثمان بن عیسی» را شیخ طوسی ثقه دانسته ولی نجاشی او را واقفی دانسته است (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۰۰) آصف محسنی می‌گوید: در گذشته بین دو نظر جمع کرده و قائل به موثق بودن «ابن عیسی» بودم ولی بعداً به دلیل آگاهی بر قرائن متعدد، قائل به ضعیف بودن راوی شده‌ام. (محسنی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۸۷)

"سالم بن مکرم" را نجاشی ثقه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۸۸) ولی شیخ طوسی او را ضعیف شمرده است. (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۲۶) آصف محسنی نظر نجاشی را از باب تعدد رجالی ترجیح داده چرا که به غیر از نجاشی رجالیان دیگری نیز مانند ابن فضال "سالم بن مکرم" را ستوده بنابراین نظرات آنها بر نظر شیخ به تنهایی ترجیح دارد. (محسنی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۸۸)

«محمد بن خالد برقی» را نجاشی شخصی ادیب، آشنا به اخبار و علوم عرب اما ضعیف در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۵) ولی شیخ طوسی او را توثیق کرده است. (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۶۳) آصف محسنی نظر شیخ طوسی را بر نجاشی ترجیح داده و برقی را راوی معتبر به شمار آورده است. (محسنی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۶۱) البته دلیل این ترجیح را حالت نفسانی و اطمینانی که برای وی رخ داده، دانسته است. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۱۵۲)

"معلی بن خنیس" را نجاشی بسیار ضعیف و بی‌اعتماد دانسته است. (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۱۷) ولی شیخ او را مدح کرده و از کسانی می‌داند که در دستگاه و بیت امام صادق (ع) حضور و از و کلاء آن حضرت به حساب می‌آمده است. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۷) آصف محسنی با استفاده از قرائن، تعدیل شیخ طوسی را محکم‌تر دانسته آنجا که گفته:

روایات بسیاری که در مدح و نکوداشت وی وارد شده، دلالت بر عدالت وی می‌کند و با وجود این همه روایات نکوداشت به تضعیف نجاشی اعتنائی نمی‌شود. (محسنی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۵۸)

نجاشی «عبد الله بن ابي زيد» را راویي ثقه در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۳۲) ولی طوسی او را تضعیف کرده است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۳۴) آصف محسنی چون قرائنی در اختیار نداشته که یکی را بر دیگری ترجیح بدهد و برای وی اطمینان ایجاد کند در مورد راوی توقف کرده و گفته اعتماد بر روایاتش مشکل بوده در نهایت روایاتش را از باب احتیاط می‌پذیریم. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۳۳۶)

"محمد بن عیسی بن عبید یقطینی" شیخ طوسی او را تضعیف دانسته و گفته صدوق وی را از رجال نوادرالحکمه استثناء کرده به همین خاطر به متفردات وی عمل نمی‌شود (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۹۱) ولی نجاشی او را ثقه، بیش روایت و از بزرگان اصحاب می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۳۳۳) آصف محسنی معتقد است هر چند سخن نجاشی و شیخ طوسی در مورد راوی متعارض است اما چون اکثر رجالیون (تعدد رجالی) مانند فضل بن شاذان، ابن نوح به توثیق او حکم کرده‌اند پس تضعیف شیخ طوسی کمرنگ و "محمد بن عیسی بن عبید یقطینی" توثیق می‌شود. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۴۰۵)

سخن نجاشی و طوسی درباره «عبدالکریم خثعمی» متعارض بوده، نجاشی او را ثقه (ثقه ثقة عینا) دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۴۵) طوسی او را واقفی خبیث محسوب کرده (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۹) آصف محسنی دیدگاه نجاشی را بر شیخ طوسی ترجیح داده و روایت راوی را پذیرفته است. (محسنی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳)

نجاشی «عبد الله بن ابي زيد» را راویي ثقه در حدیث دانسته (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۳۲) ولی طوسی او را تضعیف کرده است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۳۴) آصف محسنی چون قرائنی در اختیار نداشته که یکی را بر دیگری ترجیح بدهد و برای وی اطمینان ایجاد کند در مورد راوی توقف کرده و گفته اعتماد بر روایاتش مشکل بوده در نهایت روایاتش را از باب احتیاط می‌پذیریم. (محسنی، ۱۴۳۲ق، ص ۳۳۶)

همانطور که مشاهده شد آصف‌محسنی در مورد راویان مختلف از شیوه‌های متفاوتی استفاده کرده است و علت این تنوع نیز به اطمینان نفسی برمی‌گردد که برای وی حاصل شده است در مورد یک راوی با جمع بین دو دیدگاه اطمینان برای او شکل گرفته در مورد راوی دیگری با قرائن موجود برتری یکی از نظرات برای او ثابت شده است. بنابراین از نظر آصف‌محسنی هیچ کدام از شیوه‌های مواجهه (جمع - قرائن - تعدد رجالی - تقدم جرح و...) قوت لازم را نداشته تا هنگام مواجهه تنها بدان عمل شود بلکه متناسب با اطمینان حاصل شده برای پژوهشگر متفاوت خواهند بود.

۳. دلایل نظریه مشهور و نقد آصف‌محسنی

همانطور که گذشت اندیشه‌وران با شیوه‌ها و راهکارهای مختلفی در صدد رفع تعارض نظر نجاشی با شیخ طوسی برآمده‌اند. اما برجسته‌ترین این راهکارها در میان عالمان سرشناس دانش رجال، تقدم رأی نجاشی بر نظر شیخ طوسی است. (فضلی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۲۹؛ رحمان‌ستایش، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۹) از این رو در سطور ذیل ابتداءً دلایل علماء برای این برتری را بیان سپس نظر آصف‌محسنی و مناقشه وی در این باره را مطرح و در نهایت به ارزیابی نظرات خواهیم پرداخت.

۳-۱. مصاحبت با ابن‌غضائری و بهره‌گیری از وی

نجاشی مصاحب و هم‌دوره ابن‌غضائری (احمد بن حسین) بوده است. نجاشی خود به این مطلب اشاره کرده آنجا که در ترجمه "علی بن محمد بن شیران" می‌گوید: «کنا نجتمع معه عند أحمد بن الحسين» (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۲۶۹) در جای دیگری نیز بیان کرده که به همراه غضائری پسر کتاب‌النواد را نزد غضائری پدر خوانده‌اند. (همان، ص ۸۳) نجاشی در موارد بسیاری، از ابن‌غضائری نقل قول کرده که غالباً آنها را با تعبیرهای «قال» و «ذکر» آورده است. سید بحر العلوم، این نقل قول‌ها را از مسموعات نجاشی و تعدادی را از خط نوشته‌های ابن‌غضائری دانسته است. (بحر العلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۸۶) برخی این

مصاحبت را موجب اطلاع و مهارت بیشتر نجاشی دانسته و آن را از مرجحات نظر نجاشی بر شیخ طوسی دانسته‌اند. (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۴۹؛ فضلی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳۲)

۲-۳. اضطراب شیخ در رجال

برخی از رجالیان بر کتب رجالی و آرای شیخ طوسی اشکال کرده‌اند به اینکه شیخ گاهی درباره یک شخص در کتاب‌های متعدد یا در یک کتاب واحد، نظرات متعارضی داشته است یا اینکه گفته‌اند رجال شیخ انباشته از اغلاط و اشتباهات است که موجب تضعیف آرای وی می‌شود. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ نمازی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۶۹؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۴۸؛ کنی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰۴) این امر «فاضل خواجویی» را بر آن داشته تا آراء شیخ در رجال را فاقد اعتبار بداند و او را متهم به غفلت و فراموشی نماید. (خواجویی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۰۳) این موضوع یعنی تناقض‌گویی‌ها و کثرت اشتباهات شیخ از دیگر دلایل است که برای ترجیح نظر نجاشی به آن استناد شده است.

۳-۳. تمرکز نجاشی در رجال

دلیل دیگری که برای تقدّم نظر نجاشی بر شیخ طوسی ذکر شده، این است که تخصص بارز نجاشی منحصر به علم رجال بوده است، حال آنکه شیخ طوسی عالمی متبحّر در علوم مختلف اسلامی همچون حدیث، رجال، فقه، اصول، کلام، تفسیر و ادبیات بوده و در تمامی این موضوعات تألیفاتی دارد. این امر خود موجب پراکندگی افکار او در موضوعات مختلف شده ولی بر عکس مهارت علمی نجاشی در دانش رجال متمرکز بوده و تألیفات او بیشتر با علم رجال مرتبط است. این تخصص می‌تواند دلیل ترجیح نظر نجاشی بر شیخ طوسی تلقی شود. (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۴۹؛ بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۶؛ فضلی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳۱)

۴-۳. دقت و ضبط نجاشی

شهید ثانی در مسالک الأفهام رأی نجاشی را بر شیخ طوسی به هنگام تعارض ترجیح داده است مستند وی دقت و ضبط آرای نجاشی در کتابش می‌باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج، ص ۴۶۷)

شیخ محمد، فرزند صاحب معالم، درباره تعارض آراء نجاشی و شیخ طوسی می‌گوید: حق، این است که رأی شیخ با رأی نجاشی معارضه نمی‌کند؛ زیرا نجاشی دقیق‌تر از شیخ است. (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰) اندیشه‌وران دیگری مانند صاحب معراج أهل الکمال، صاحب ریاض العلماء، محقق قمی، سید بحر العلوم و سید عبد‌النبی جزایری نیز به دقیق‌تر بودن نجاشی از تمام عالمان رجالی تصریح کرده‌اند. (بحرانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰؛ افندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۹؛ قمی، ۱۳۷۸ش، ص ۴۷۶؛ بحر العلوم، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۵؛ جزائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۲۵)

۳-۵. مناقشه آصف محسنی در نظریه مشهور

آصف محسنی معیار مذکور را مورد مناقشه قرار داده است و بیان داشته ملاک و معیار در نزد وی به هنگام تعارض جرح و تعدیل، اطمینان نفس می‌باشد و از آنجائی که دلایل پیش گفته برای ترجیح نجاشی بر طوسی، قوت لازم را نداشته است تا موجب حصول اطمینان به تقدم نظر نجاشی در نزد وی بشوند بنابراین نظریه مشهور را نپذیرفته و ادامه داده که دلایل ذکر شده در صورتی پذیرفتنی هستند که موجب اطمینان نفس شوند.

آصف محسنی همچنین گفته بر فرض که تمامی دلایلی مطرح شده برای تقدم رأی نجاشی را بپذیریم باز هم باعث برتری نظر نجاشی بر طوسی نمی‌شوند چرا که دلیل شرعی و عقلانی برای ترجیح قول اضبط بر ضابط نداریم. اضبطیت در شهادت مطرح می‌شود نه در خبر و نبأ، حتی در شهادت نیز وجهی برای تقدم شهادت یکی از این دو بر دیگری نیست چون هر دو ثقة هستند.

به عبارت دیگر آصف محسنی به دلیل آنکه اعتبار قول رجالی را از باب خبر و نبأ می‌داند و معتقد است در نبأ و خبر، اضبطیت جزء مرجحات به حساب نمی‌آید. پس وجهی برای ترجیح قول نجاشی بر طوسی به سبب ضابط بودن نمی‌ماند. (محسنی، ۱۴۳۲ق،

ص ۴۰) البته آصف محسنی در برخی مواقع به هنگام تعارض دیدگاه نجاشی و شیخ طوسی، نظر نجاشی را ترجیح داده است آن هم به دلیل قرائنی که موجب برتری نظر نجاشی شده است نه به سبب دلایل پیش گفته.

برای مثال آصف محسنی به هنگام مواجهه با تعارض سخن نجاشی و طوسی درباره «عبدالکریم خنعمی» دیدگاه نجاشی را بر شیخ طوسی ترجیح داده و روایت راوی را پذیرفته است. (محسنی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۳)

۴. بررسی مناقشه آصف محسنی به نظریه مشهور

به نظر می‌رسد مناقشه آصف محسنی در نظریه مشهور بجا باشد و علاوه بر اشکال آصف محسنی اشکالات دیگری نیز به این نظریه وارد است همانطور که عالمان دیگری نیز همسو با آصف محسنی این نظر را مورد تردید قرار داده‌اند.

اینکه بحر العلوم و دیگران گفته بودند مصاحبت با ابن غضائری سبب برتری نجاشی است را برخی از اندیشه‌وران نه تنها نپذیرفته بلکه به خاطر این مصاحبت جرح و تضعیفات نجاشی را مورد مناقشه قرار داده‌اند. چرا که معتقدند تضعیفات نجاشی متأثر از تضعیفات ابن غضائری است. شیخ السنند در این باره می‌گوید:

«نجاشی در مبانی رجالی خویش به خصوص در مبانی جرح متأثر از استادش ابن غضائری بوده که تضعیفات وی را با چالش و نقد جدی روبرو می‌کند. وی افزوده نجاشی راویانی را جرح کرده که اصحاب اجماع از آنها روایت داشته و بزرگانی مانند ابن فضال، صدوق، شیخ مفید و قمی‌ها آنها را توثیق کرده‌اند. نجاشی اعتماد آنها را ترک گفته و تنها به گفته ابن غضائری تکیه کرده است» (السنند، ۱۴۳۱ق، صص ۲۹۸-۲۹۴)

صاحب «معراج اهل الکمال» نیز همسو با شیخ السنند، جرح و تضعیف‌های نجاشی را قابل مناقشه دانسته، چرا که بسیاری از راویان موثق مانند "داود الرقی"؛ "جعفر بن محمد بن - مالک" و "جابر الجعفی" را تضعیف کرده در حالی که این راویان از نظر داشت اندیشه‌وران شیعه در شمار ثقات به حساب می‌آیند. (بحرانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶) مجلسی تضعیف

شدن "جعفر بن محمد بن مالک" توسط نجاشی را مورد انتقاد قرار داده و آن را ناشی از اعتماد نجاشی بر ابن غضائری دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۳۳۸)

مامقانی هر چند نجاشی را ضابط‌ترین رجالی می‌داند اما از آنجائی که "داود الرقی" را تضعیف کرده ابراز شکفتی نموده و علت مخالفت نجاشی با بزرگان در تضعیف "داود الرقی" را تکیه و اعتماد بر ابن غضائری دانسته است. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۶، ص ۲۷۲) در کتاب *الذریعه* بیان شده که غضائری پسر، همراه و مشارک نجاشی در قرائت بر غضائری پدر بوده است. این مشارکت و همراهی تاثیر پذیری نجاشی از ابن غضائری را تقویت می‌کند. (آقابزرگ طهرانی، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۹)

صاحب *قاموس الرجال* نیز اعتماد نجاشی بر ابن غضائری را مطرح کرده و به همین خاطر برخی تضعیفات وی را مورد مناقشه قرار داده است. شوستری در چندین مورد، تضعیفات نجاشی را ناشی از دنباله‌روی و تکیه بر ابن غضائری دانسته از این رو آن تضعیفات را نپسندیده و آنها را مورد نقد قرار داده است (شوستری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۵؛ ج ۸، ص ۱۶۵؛ ج ۱۰، ص ۲۱۴؛ ج ۱۲، ص ۴۳۴)

از دیگر دلائل ارائه شده برای تقدم نجاشی، اضطراب طوسی در رجال و اشتباهات متعدد وی در مورد برخی القاب و کنیه‌ها است. بایستی گفت شاید شیخ طوسی در مورد برخی القاب و کنیه‌ها دچار سهو شده باشد ولی در مورد اینکه برخی از راویان را در جایی توثیق و در جای دیگر تضعیف کرده است می‌توان گفت اتفاقاً این مطلب را می‌شود به گونه‌ای دیگری مطرح کرد و آن اینکه چنین راویانی احتمالاً جزء کسانی بوده که در انحراف از ائمه به سر برده و سپس برگشته یا اینکه ابتداء در استقامت بوده و سپس منحرف شده‌اند و شیخ طوسی نیز ممکن است ابتداء از استقامت اطلاع داشته و بعداً از انحراف وی خبردار شده است یا برعکس. همچنین در مورد اینکه برخی گفته‌اند رجال شیخ انباشته از اغلاط و رجال نجاشی حتی از یک اشتباه نیز عاری است. (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ج ۳۰، ص ۱۰۳)

بهیانی از برخی محققان نقل کرده که نجاشی را به کثرت غلط و اشتباه در کتاب رجال متهم کرده‌اند. (بهیانی، بی تا، ص ۱۰۰) کلباسی بعد از آن که اشتباهات متعددی از

نجاشی در رجالش را ذکر کرده گفته اشتباهات نجاشی نسبت به سایر رجالیان کمتر است.

(کلباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۹۹)

شیبیری زنجانی گفته برخلاف آنچه مشهور شده و افراد مبتدی تصور می کنند نجاشی اشتباهات زیادی در مسائل رجالی دارد و سپس برخی اشتباهات وی را ذکر کرده است.

(زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۰۹۲)

دلیل سوم مطرح شده برای برتری نجاشی بر طوسی را تمرکز و تبحر نجاشی در رجال دانسته اند. یکی از اندیشه وران رجال این نظر را مورد مناقشه قرار داده با این استدلال که این تخصص و تبحر در جایی مانند اجتهاد و حدس کارساز است اما در جایی مانند شهادت که سالم بودن حواس و حافظه شرط است کارساز نیست چرا که شهادت با ادله قطعی، حجت است خواه شاهد تنها متخصص در رجال باشد یا در سایر علوم نیز تبحر داشته باشد. (السند، ۱۴۳۱ق، ص ۳۰۰)

همین شخص در جای دیگری مسلک و مشرب کلامی نجاشی را نزدیک به ظاهریه و قشریه دانسته است چرا که معتقد است نجاشی به دلیل عدم آگاهی نسبت به ظرافت ها و نکات موجود در روایات نتوانسته موضعگیری مناسبی نسبت به روایات اهل بیت اتخاذ کند و در مواردی روایان را به سهولت، متهم به غالی گری، تفویض و انحراف کرده است در حالی که تنها ایراد راوی نقل روایاتی بوده که جزء مسلمات مذهب شیعه هستند اما مشرب کلامی نجاشی چنین روایاتی را بر نتاییده است. به عبارت دیگر چنین می بیند که تمرکز نجاشی در رجال نه تنها مزیتی برای او محسوب نمی شود بلکه عدم آگاهی اش نسبت به سایر علوم برای وی مشکل ساز بوده و او را به قضاوت نادرست در مورد روایان واداشته است. (همان، ص ۳۰۲)

در مقابل بحرالعلوم و دیگر آن که نجاشی را ضابط تر دانسته بودند گروه دیگری شیخ طوسی را ضابط و دقیق تر دانسته اند. از جمله این افراد، محدث جزایری در غایه المرام است که در موضوع تعارض رأی نجاشی و رأی شیخ طوسی در مورد سالم بن مکرم، بدون هیچ شک و شبهه ای، شیخ طوسی را اثبت و دقیق تر دانسته است (جزائری، مخطوط)

صاحب نه‌ایه‌الدرايه نیز گفتار کسانی که نجاشی را در رجال خبره و دقیق‌تر دانسته‌اند رد کرده و گفته:

«الشیخ أشهد مراساً فی ذلک من النجاشی؛ شیخ طوسی در رجال از نجاشی

نیرومندتر است» (صدر، بی‌تا، ص ۳۸۴)

همانطور که گذشت، دلائل مطرح شده از سوی عالمان برای برتری نجاشی از استحکام و قوت لازم برخوردار نبوده که بتواند در مقام معارضه بر طوسی غلبه پیدا کند. علاوه بر آن یکی از پژوهشگران معاصر سه اشکال عمده بر رجال نجاشی وارد کرده است: **الف)** منابع رجالی نزدیک به نجاشی مانند «معالم‌العلمای» ابن شهر آشوب، «فهرست» منتجب‌الدین، «سرائر» ابن‌ادریس، «التقص» عبدالجلیل قزوینی خالی از هرگونه اطلاعات درباره نجاشی هستند. فراتر از آن حتی در کتب فهرستی متقدم اهل سنت نیز اثری از نجاشی نیست. این روند ادامه داشته تا اینکه بعد از حدود دو قرن برای اولین بار سیدبن-طاووس نجاشی را به بزرگواری یاد کرده است.

ب) نجاشی با تکیه و اعتماد بر عده‌ای اساتیدش از اهل سنت روایانی را تضعیف کرده که رجالیان شیعه آنان را تضعیف نکرده یا اینکه روایانی را توثیق کرده که از دشمنان اهل بیت و از نواصب بوده‌اند.

ج) رجال نجاشی طوقی متصل و صحیح دارد اما به حد استفاضه نمی‌رسد. (عظیمی، www.academia.edu)

بنابراین می‌توان گفت نظریه تقدّم نجاشی بر شیخ طوسی در مقام معارضه، نه تنها از قوت لازم برخوردار نبوده بلکه با اشکالات جدی مواجه است گذشته از آن، رجال نجاشی نیز با تعدادی اشکالات روبروست که آرائش را با چالش روبرو می‌کند. دیگر آنکه استفاده از شیوه‌های مختلف توسط علماء برای حل تعارض نجاشی با طوسی خود گواه بر آن است که در نزد رجالیان، نظریه تقدم دارای استحکام لازم نبوده است.

نتیجه‌گیری

- ۱- عالمان رجالی از شیوه‌های متعددی برای حل تعارض نجاشی و شیخ طوسی بهره گرفته‌اند که از جمله این قرائن می‌توان به ترجیح نجاشی، پذیرش رأی اکثر رجالی‌ها، بهره‌گیری از قرائن و ترجیح جرح بر تعدیل اشاره کرد.
- ۲- آصف محسنی از همگی شیوه‌های بکار گرفته توسط رجالیان بجز دو مورد بهره گرفته است. از نظر آصف محسنی نحوه مواجهه با تعارضات نجاشی و شیخ طوسی، قاعده و قانون خاصی ندارد بلکه بستگی به استنباط و اطمینانی دارد که برای شخص مجتهد و رجال پژوه به وجود می‌آید.
- ۳- از نظر آصف محسنی دلائلی که برای ترجیح آراء نجاشی بر شیخ طوسی از جانب عالمان رجالی ارائه شده بود مانند دقت و ضبط نجاشی، تمرکز نجاشی در رجال، اضطراب شیخ در رجال و مصاحبت با ابن غضائری از قوت لازم برخوردار نبوده و با تکیه بر آنها نمی‌توان رأی و نظر نجاشی را بر طوسی مقدم داشت.
- ۴- بهترین شیوه تعامل با تعارضات نجاشی و طوسی انباشت قرائن برای ترجیح یکی از دو نظر می‌باشد و اینکه نحوه تعامل نسبت به راویان مختلف بر حسب اطمینانی که برای پژوهشگر حاصل می‌شود متفاوت خواهد بود.

منابع

۱. **قرآن کریم**.
۲. آقا بزرگ طهرانی (بی تا)، **الذریعة إلى تصانیف الشیعة**، بیروت: دار الاضواء.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، **جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد**، بیروت: دار الاضواء.
۵. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، **منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال**، قم: موسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۶. اشتهااردی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، **مدارک العروة للإشتهاردی**، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.

۷. افندی، میرزا عبدالله (۱۴۱۰ق)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، بتحقیق: سید احمد حسینی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۸. بحر العلوم، محمد مهدی (۱۳۶۳ش)، *رجال السید بحر العلوم «المعروف بالفوائد الرجالیة»*، تهران: مکتبه الصادق (ع).
۹. بحرانی، سلیمان (۱۴۱۲ق)، *معراج أهل الكمال إلى معرفة الرجال*، بی‌جا: عبدالزهراء العویناتی.
۱۰. جزائری، سید نعمت الله (بی‌تا)، *نمایه المرام فی شرح تهذیب الاحکام*، مخطوط.
۱۱. جزائری، عبدالنبی (۱۴۱۸ق)، *حاوی الأقوال فی معرفة الرجال*، بتحقیق: مؤسسه الهدایه لإحياء التراث.
۱۲. حافظیان، ابو الفضل (۱۳۸۲ش)، *رسائل فی درایه الحدیث*، قم: دارالحدیث.
۱۳. حسینی صدر، علی (۱۴۳۰ق)، *الفوائد الرجالیة (حسینی صدر)*، قم: دلیل ما.
۱۴. خاقانی، علی بن حسین (۱۳۶۲ش)، *رجال الخاقانی*، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۱۵. خواجوی، اسماعیل (۱۴۱۳ق)، *الفوائد الرجالیة*، بتحقیق: مهدی رجایی، مشهد: آستانه الرضویة المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیة.
۱۶. خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸ق)، *موسوعة الإمام الخوئی*، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۱۷. راضی، حسین (۱۴۲۱ق)، *تاریخ علم الرجال و اهمیت رجال النجاشی*، بیروت: مؤسسه البلاغ.
۱۸. رحمان ستایش، محمد کاظم (۱۳۸۹ش)، *آشنایی با دانش و منابع رجالی شیعه*، دانشکده مجازی قرآن و حدیث.
۱۹. زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق)، *کتاب تکاح (زنجانی)*، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۰. سبزواری، محمد باقر (۱۲۴۷ق)، *ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۱. سند، محمد (۱۴۳۱ق)، *الاجتهاد و التقليد فی علم الرجال و اثره فی التراث العقائدی*، قم: باقیات.
۲۲. سند، محمد (۱۴۲۹ق)، *بحوث فی مبانی علم الرجال*، قم: باقیات.

۲۳. شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰ق)، **قاموس الرجال**، بتحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم.
۲۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۵. شیخ بهائی (۱۳۹۰ق)، **الوجیزه فی علم الدرايه**، قم: بصیرتی.
۲۶. شیخ بهائی (بی تا)، **معالم الدین و ملاذ المجتهدین**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
۲۷. صدر، سید حسن (بی تا)، **نهایه الدرايه**، بتحقیق: ماجد الغرباوی، قم: نشر المشعر.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، **الاستبصار فیما اختلف من الأخبار**، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳ش)، **رجال الطوسی (جامعه مدرسین)**، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، **العدة فی أصول الفقه**، بتحقیق: محمد رضا الأنصاری، قم: المطبعة ستاره.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، **الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة**، قم: دار المعارف الإسلامیة.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، **فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول**، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۳۳. عاملی، سید جواد (بی تا)، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۴. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۹ق)، **استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۵. عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، **مدارك الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام**، لبنان: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۶. عاملی، میر سید احمد (بی تا)، **مناهج الأخیار فی شرح الاستبصار**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۳۷. عزیزی، سیدمجتبی؛ مطیعی، میثم (۱۳۹۳ش)، «مبنای ملاک‌های ترجیح اقوال رجالیون در تعارض جرح و تعدیل»، **حدیث پژوهی**، شماره ۱۱، صص ۴۹-۸۴.
۳۸. عظیمی، حمید (بی تا)، **نگاهی بروثاقت ابوالعباس نجاشی**، www.academia.edu
۳۹. فضلی، عبدالهادی (۱۴۳۰ق)، **اصول علم الرجال**، بیروت: مرکز الغدیر للدراسات و النشر و التوزیع.
۴۰. قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۸ق)، **قوانین الأصول**، تهران: بی نا.
۴۱. قمی، محمد مؤمن (۱۴۲۵ق)، **الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۲. کلباسی، ابوالهدی (۱۴۱۹ق)، **سماء المقال فی علم الرجال**، قم: مؤسسه ولی العصر (ع) للدراسات الإسلامية.
۴۳. کلباسی، محمد (۱۴۲۲ق)، **الوسائل الرجالية**، بتحقیق: محمدحسین درایتی، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۴۴. کنی تهرانی، علی (۱۴۲۱ق)، **توضیح المقال فی علم الرجال**، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۴۵. گیلانی، سید محمد باقر (۱۴۲۷ق)، **مقاله فی تحقیق إقامة الحدود فی هذه الأعصار**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۶. مازندرانی، (محمد) اسماعیل (۱۴۱۱ق)، **الوسائل الفقهية (للخواجوی)**، قم: دار الكتاب الإسلامي.
۴۷. مازندرانی، علی اکبر (بی تا)، **مقیاس الرواة**، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسه النشر الإسلامي.
۴۸. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، **تنقیح المقال فی علم الرجال**، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۴۹. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، **روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه**، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۵۰. محسنی، محمد آصف (۱۴۳۰ق)، **الأحاديث المعتبرة فی جامع أحاديث الشيعة**، قم: صبح صادق.

۵۱. محسنی، محمد آصف (۱۴۳۲ق)، **بحوث فی علم الرجال**، قم: مرکز المصطفی العالمی.
۵۲. محسنی، محمد آصف (۱۳۹۴ش)، **بداية علم الرجال**، قم: نشر ادیان.
۵۳. محسنی، محمد آصف (۱۴۲۹ق)، **حدود الشریعة**، قم: بوستان کتاب قم.
۵۴. محسنی، محمد آصف (۱۴۲۶ق)، **الفقه و مسائل طبیة**، قم: بوستان کتاب قم.
۵۵. محسنی، محمد آصف (۱۴۲۳ق)، **مشرعة بحار الأنوار**، قم: مکتبه عزیزی.
۵۶. محسنی، محمد آصف (۱۴۳۴ق)، **معجم الأحادیث المعتبرة**، قم: نشر ادیان.
۵۷. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، **رجال النجاشی**، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۵۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، **مستند الشیعة فی أحكام الشریعة**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۵۹. نراقی، میرزا ابو القاسم بن محمد بن احمد (۱۴۲۲ق)، **شعب المقال فی درجات الرجال**، قم: کنگره بزرگداشت نراقی.
۶۰. نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، **مستدرکات علم رجال الحدیث**، تهران: بی نا.
۶۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۱۷ق)، **خاتمة المستدرک**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

Bibliography:

- 1- The Holy Qur an.
- 2- Alaw S' . Al-Qawl al-Rash d fi al-'Ijtih d wal-Taql d. Qom: Ayatollah Mar ash Library; 1421 AH.
- 3- mil Abu Jafar MBH. Al-'Istiqṣ al-'Itib rfi Sharḥ al-'Istibṣ r. Qom: ' l al-Bayt Institute; 1419 AH.
- 4- mil MBA. Mad ik al-Aḥ k nf Sharḥ-i Ib dt Shar I al-Islam. Qom: ' l al-Bayt Institute; 1411 AH.
- 5- mil MSA. Man ḥji al-'Akhy r f Sharḥ-I al-'Itib r. Qom: Ism l y nrstite. nd.
- 6- mil SJBMH. Mift ḥ al-Kir mnh f Sharḥ-i Qaw d al- All mnh. Qom: Islamic Propagation Office; 1419 AH.
- 7- A Group of Authors. Journal of Fiqh of Ahl al-Bayt (AS). Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. Qom: nd.
- 8- 'Allamah Hill HBY. Muntaha al-Maṭ lab f Taḥ q q al-Madhḥ ab. Mashhad: Majma' al-Bu ḥt al-Islam yah; 1412 AH.
- 9- 'Allamah Hill HBY. Tart b Khul Ṣ at al-'Aqw lf Ma rifat al-Rij l. Mashhad: The Islamic Research Foundation of Ast nQods Razavi; 1381 SH.

- 10- Astar bd MA. Manhaj al-Maq l f Taḥ q q Aḥ w lal-Rij .lQom: Mu assisatu l al-Bayt li 'Iḥ y al-Tur lṭ; 1422 AH.
- 11- Baḥ r al- Ul mSMMM. Al-Faw id al-Rij ḡyah. Tehran: Maktabat al-S ḡ; 1405 AH.
- 12- F ḡ il Lankar nMF. Tafṣ l al-Shar 'ah f Sharḥ -i Taḥ r r al-Was lah; al-Ḥajj. Lebanon: Dar al-Ta' urf lil Maṭ b ' ;2nd ed: 1418 AH.
- 13- Gilani Shafti SMB. Maq ḡtun f Taḥ q q 'Iq m al-Ḥud ḡf H ḡḡ al- ṣ r. Qom: Islamic Propagation Office; 1427 AH.
- 14- Iraw n B. Dur sTamh ḡyah fil-Fiqh al-Istidl l Alal-Madhhab al-Ja'far . Qom: 2nd ed; 1427 AH.
- 15- IShtih ḡ AP. Mad rik al- Urwah. Tehran: Dar al- Uswah; 1417 AH.
- 16- Kh iṣ MB. 'Aḥ k māl-Maḥ b sn fi al-Fiqh al-Ja far . Qom: Islamic Publications Office; 1413 AH.
- 17- Khuy SA. Al-Mustanad fi Sharḥ al-'Urwat al-W lṭq .Murtaḡ Bur ḡrd . Qom: np; nd.
- 18- Khuy SA. Institute of Imam Khuy . Qom: Institute of Imam Khuy s Works; 1418 AH.
- 19- Majlis MT. Rawḡ at al-Muttaq n f Sharḥ -i Man L Yahḡ aruh al-Faq h. Qom: Islamic-Cultural Institute of Koushanbour; 2nd ed: 1406 AH.
- 20- M mq n A. Tanq h Mab n f lIm al-Rij .l Qom: ' l al-Bayt Institute; 1431 AH.
- 21- Mazandar n AA. Miqy s al-Ruw .t Qom: Jam at al-Mudarris n (Institute of Islamic Publications); nd.
- 22- M zandar nḤ ir MI. Muntah al-Maq f Aḥ w ḡl-Rij .lQom: ' l al-Bayt Institute; 1416 AH.
- 23- M zandar nḤ ir MI. Ri ḡ al-Mas il. Qom: ' l al-Bayt Institute; nd.
- 24- Mazandar n MI. Al-Ras il al-Fiqh yah lil Khajaw Qom: Dar al-Kutub al-Isl m 1412 AH.
- 25- M rz ḡ N r H. Kh imat al-Mustadrak. Qom: Mu assisatu l al-Bayt li 'Iḥ y al-Tur lṭ; 1417 AH.
- 26- M rz ḡ N r H. Mustadrak al-Was il wa Mustanbiṭ al-Mas il. Qom: Mu assisatu l al-Bayt li 'Iḥ y al-Tur lṭ; 1408 AH.
- 27- Mohseni MA. Buḥ lṭun f lIm al-Rij .lQom: Al-Mustafa al- Alami Center for Translation and Publication; 5th ed: 1432 AH.
- 28- Muḥ aqqiq Ardab l ABMA. Majma' Al-F ' idah wal-Burh nQom: Islamic Publication Office; 1403 AH.
- 29- Muḥ aqqiq Dam ḡSM. Kit ḡal-Khums. Qom: Dar al-'Isr li-Nashr; 1418 AH.
- 30- Naj l s ABA. Rij ḡl-Naj sh . Qom: Jam at al-Mudarris n (Institute of Islamic Publications); 6th ed: 1365 HS.

- 31- Nar q MAMM. Mutanad al-Sh a' f Aḥk m al-Shar a. Qom: Mu assisatu l al-Bayt li 'Iḥ y al-Tur It; 1415 AH.
- 32- Nar qMAMM. Shu'ab al-Maq f Daraj t al-Rij .lNar qCongress; 2nd ed: 1422 AH.
- 33- Qumm MM. Al-Wil ʔt al-'Il lyyaht aw al-Ḥuk mat al-Isl nyah. Qom: Islamic Propagation Office; 1425 AH.
- 34- Qumm ST. Al-Gh ʔt al-Qaṣ w fi al-Ta'l q Ala al- Urwah; Al-'Ijtih d wa'lFaql d. Qom: Maḥ all tPublications; 1424 AH.
- 35- Qumm ST. Thal It Ras il. Qom: Maḥ all tPublications; nd.
- 36- Raḥ m n Setayesh K. Ras l fi Wil ʔt al-Faq h. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Islamic Seminary; 1425 AH.
- 37- Ruḥ n SŞ . Fiq al-Ş adiq (AS). Qom: Dar al-Kitab ° Seminary of Imam Ş adiq (AS); 1412 AH.
- 38- Sabzevari MB. Dhakh rat al-Ma' d fi Sharḥ al-'Irsh d. Qom: ' l al-Bayt Institute; 1247 AH.
- 39- Ş ḥ ib Ma' im HBZ. Al-Taḥ r r al-Ṭ w .sResearch: F ḍ il Jawhar. Ayatollah Mar ash Library; 1411 AH.
- 40- Sand M. Buḥ ltun fi Mab n'Ilm al-Rij .lQom: 2nd ed: 1429 AH.
- 41- Shah d Th n ZBA. Al-Ras l li-Shahid Th n Qom: Islamic Propagation Office; 1421 AH.
- 42- Shah d Th n ZBA. Mas lik al-'Afh mil Tanq ḥ Shar al-Islam. Qom: Institute of Islamic Teachings; 1413 AH.
- 43- Sheikh Bah MBH. Mashriq akl-Shamsayn wa 'Iks r al-Sa' dāyn Ma'a Ta'l q t al-Kh j . Mashhad: Majma' al-Bu It al-Islam yah; 2nd ed: 1412 AH.
- 44- Sh shtr MT. Al-Naj'atu f Sharḥ al-Lum'ah. Tehran: Bookshop of Sadouq; 1406 AH.
- 45- Sh shtr MT. Q m sal-Rij .lQom: Mu'assisah al-Nashr al-Isl m 2nd ed: 1410 AH.
- 46- Sobḥ nJ. Al-Ras il al-'Arba'. Qom: Institute of Imam Ş adiq (AS); 1415 AH.
- 47- Sobḥ n J. Al-Ş awm fi al-Shar at al-Isl nyah al-Ghara . Qom: Institute of Imam Ş adiq (AS); 1420 AH.
- 48- Ṭ s MBH. Al-Ghaybah; Kit bal-Ghaybah lil-Ḥujjah. Qom: Dar al-Ma if al-Isl nyah; 1411 AH.
- 49- Ṭ s MBH. Al-'Istibṣ ffi m Ukhtulifa Min al-Akhb .rTehran: Dar al-Kutub al-Isl nyah; 1390 AH.
- 50- Ṭ s MBH. Al-Rij .lQom: Jami at al-Mudarris n (Institute of Islamic Publications); 3rd ed; 1373 SH.
- 51- Ṭ s MBH. Kutub al-Sh ah wa 'UŞ ihim wa 'Asm al-Muş annif n wa 'AŞ ḥ bal-'UŞ .lQom: Library of al-Muḥ aqqiq al-Ṭ ab ṭ ab ; 1420 AH.
- 52- Waḥ d Bihbah n MB. Al-Faw id al-Rij lyah. Np: nd.

- 53- Waḥīd Bihbahān MB. Ḥisāyat Majma' Al-Farīdah wal-Burhān. Qom: Institute of Allamah Waḥīd Bihbahān ; 1417 AH.
- 54- Waḥīd Bihbahān MB. Ta'līqat Al-Minhaj al-Maqbul. Np: nd.
- 55- Zanjani SM. Book of Marriage. Qom: Research Institute of Raypardaz; 1419 AH.



How Does Asef-Mohseni Act While Facing with Najāshī's and Ṭūsī's Contradictions

Majid Zeidi-Joudaki¹

Ali Hassan-bagi²

Alireza Tayebi³

Ebrahim Ebrahimi⁴

Received: 12/11/2018

Accepted: 12/02/2019

Abstract

Najāshī and Sheikh Ṭūsī are among the most well-known Shiite biographers (*rijālīs*), whose *rijālī* views were of great importance of consideration, especially following the establishment of the Hilla School and the improvement of Hadith validation on the basis of its chain of transmitters (*sand*). They referred to some attributions of narrators in their books, according to the task of *Rijāl* science, which is the determination of the authenticity and weakness of narrators. Nevertheless, sometimes their views about a narrator are contradictory. The present paper, based on the descriptive-analytical method, attempts to investigate how Asef-Mohseni, a contemporary *rijāl* scholar, interacts with such contradictions. Consequently, the results show that the interaction with contradictions of Najāshī and Sheikh Ṭūsī does not follow a single method, but it depends on the view of a *rijālī* scholar, regarding to the situation of a narrator. Additionally, it is argued that there is no solid reason to prefer Najāshī to Sheikh Ṭūsī on a certain case and hence the quality of interactions with narrators are different, based on the confidence that a researcher obtains.

Keywords: *Rijāl science, contradictions, Najāshī, Ṭūsī, Asef-Mohseni.*

¹. PhD Candidate of Arak University, Iran. The Corresponding Author.

(majidjody@gmail.com).

². Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Teachings, Arak University, Iran. (a-hasanbagi@araku.ac.ir).

³. Scientific Member, Department of Quran and Hadith Sciences, Arak University, Iran. (a-tabibi@araku.ac.ir).

⁴. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Arak University, Iran. (dr.e.e978@gmail.com).